

نارضایتی غیرواقعی بینانه در بین جوانان

و ارتباط آن با

ساختمان طبقاتی اجتماعی مدرن

نوعی بیماری سرطان اجتماعی نسل جوان ما و بالنتیجه آینده ایران را تهدید میکند . این مرض کشنده و وحشتناک که نومیدی ، بی‌اعتنائی و استهزاء ، یاوه‌گوئی و ناسزاگوئی بعضی از علائم آن هستند بر کلیه شئون زندگی اجتماعی ما سایه افکنده و طوری جامعه ما را فلج ساخته که حتی « سالم‌ترین » افراد نیز تنها با زیستن در این محیط‌گاهگاهی روحیه سازنده خویش را از دست میدهند . تجزیه و تحلیل این بیماری ما را طبعاً بگذشته میکشاند و در بسیاری از موارد میتوان این مرض را امری « طبیعی » و یا حداقل « قابل فهم » دانست . و اما مواردی را نیز میتوان یافت که این نومیدی و بمسخره گرفتن هر موضوع جدی ناشی از جهالت و عدم آگاهی از نوع و کیفیت روابط انسانها در اجتماعات مدرن است . در یکی از حالات مخصوص این شق اخیر نومیدی و نارضایتی و احتمالاً بدگوئی حاکی از عدم اطلاع از ساختمان طبقاتی اجتماع مدرن و مشخصات مختلف هر طبقه و دامنه محدود ترقی افراد منتسب بیک طبقه معین است .

بعقیده نگارنده وظیفه هر فرد متفکر و میهن‌دوستی است که مبارزه دامن‌داری بر علیه این یأس آغاز کند و جوانان ایرانی را از این گرداب نابودی برهاند . چون بحث درباره کلیه علل این یأس از عهده این مقوله بالطبع خارج است تنها بآن وضع خاص که ارتباط با ساختمان طبقاتی اجتماع مدرن دارد اکتفا میشود .

بایستی اعتراف کرد که جامعه امروز ایران حالت مبهم و شکل نیافته‌ای دارد . از بعضی لحاظ دیگر نمیتوان آنرا اجتماع کاملاً فئودالیستی پنداشت و از برخی جهات هنوز نمیتوان آنرا جامعه کاپیتالیستی دانست . درباره‌ای از موارد علائمی از تمایل بسوی نوعی از سوسیالیسم دیده میشود . در بعضی از مواقع روحیه دموکراتیک و در برخی از موارد عملها و عکس‌العملهای غیر دموکراتیک ملاحظه میشود . در حالیکه در بین گروهی تقلید از زندگی ملل غربی کاملاً متداول و مرسوم است در بین عده دیگری هنوز افکار قرون

گذشته حکمفرما است. در چنین وضع نامشخص و پرتضادی بسیار مشکل است بتوان نامی واحد (a label) برای جامعه کنونی ایران اختیار نمود. قدر مسلم آنستکه اجتماع امروز ایران در حال تحولاتی است ولی درست معلوم نیست پس از طی این مرحله انتقالی (Transitional period) معیون ایران فردا چگونه خواهد بود. معهداً با وجود این بلا تکلیفی و عدم شکل معین شاید بتوان گفت که جامعه کنونی ایران دارد بسوی وضع مدرن (Modernity) پیش میرود (در طی مقاله‌ای دیگر مشخصات یک جامعه مدرن بنظر خوانندگان عزیز خواهد رسید).

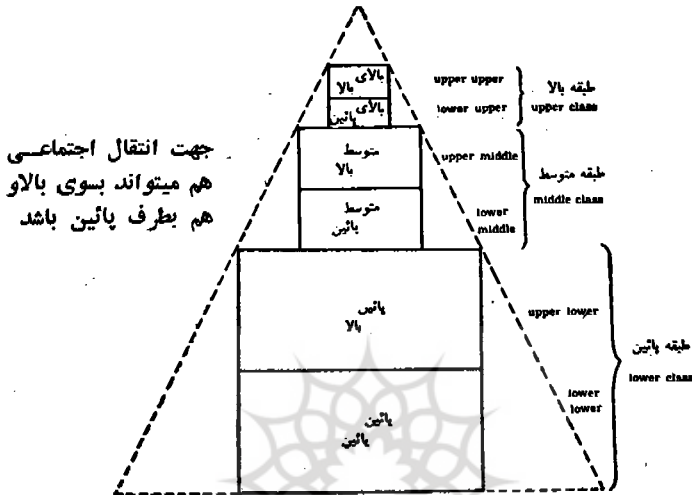
یکی از خصوصیات عمده اجتماع مدرن، چه بصورت دموکراتیک و چه بصورت توتالیترین (Totalitarian) آنستکه در آن سه طبقه مختلف با مشخصات معین و متمایز از یکدیگر وجود دارند. ۱. (در بین اجتماعات قدیمی (Traditional) نیز طبقات وجود دارند ولی نوع طبقات و روابطشان با یکدیگر با وضع طبقات در جامعه مدرن فرق دارد. « در اجتماعات دموکراتیک مدرن گاهی تصور میرود که اختلاف طبقاتی یا موجود نیست و یا اینکه بسیار کم است معهداً از نقطه نظر یک جامعه‌شناس، وابسته بهر مکتبی که باشد، بدون شک در بین افراد هر جامعه تفاوت‌هایی موجود است که آنها را از هم متمایز و گاهی بصورت گروه معینی در مقابل گروه دیگر قرار میدهد. البته تعریف مارکسیستی از «طبقه» (مالکان ابزار تولید و مزدبگیران) در اینجا مطرح نیست و بلکه غرض نگارنده از کلمه «طبقه» برای مقدمه بحث درباره «نارضایتی‌های غیرواقع بینانه» موقعیت و وضع گروهی از افراد (group status) است که دارای وضع خاص و امتیازات متمایز از گروه دیگر هستند و در اصطلاحات عامه و حتی گفتگوهای جامعه‌شناسان بعنوان طبقه (class) بکار برده میشوند. مثلاً همه ما در سخنان روزانه خود افراد را با سالی و عنوان‌هایی از قبیل «اعیانها»، «تازه بدوران رسیده‌ها»، «کله گنده‌ها»، «شمال شهری»، «اصیل»، و بی‌پدر و مادر مشخص و معرفی میکنیم. از نقطه نظر یک عالم اجتماع این عنوانها معرف جای status اشخاص در اجتماع است. چنین تعریفی از «طبقه» (تعریف غیر مارکسیستی) حتی شامل جوامع سوسیالیستی و احتمالاً «بی طبقه» (classless) نیز میشود زیرا در این قبیل جوامع نیز افرادی را که از نقطه نظر امتیازات سیاسی، اقتصادی، نظامی، اجتماعی و حرفه‌ای و یا سلیقه‌ها و تمایلات روانی و فکری مخصوص دارای وجوه امتیاز مشترکی هستند میتوان طبقه‌بندی نمود و مثلاً در عوض سه طبقه «بالا upper»، «متوسط middle»، و «پائین lower» سه طبقه دیگر بنام «طبقه حاکمه the ruling party»، «روشنفکران intelligentsia» و «کارگران و کشاورزان workers and peasants»

۱- باخذ زیر مراجعه شود.

Robert Havinghurst, Bernice Neugarten,
Society and Education (Boston, Allyn and Bacon, Inc.,
1958). P. 11.

مشخص نمود . .

در يك اجتماع كاپيتاليستی مدرن (كه تصور ميرود منظور غائی رهبران جامعه ایران نیل بان است) ميتوان ساختمان طبقاتی اجتماع social class structure را بشکل زیر نمودار ساخت :



طبقات اجتماعی در يك جامعه كاپيتاليستی مدرن

بطوریکه ملاحظه میشود هر طبقه اصلی دارای دو طبقه فرعی است و هر يك از این ۶ جزء متشکله اجتماع يك لایه یا stratum نامیده میشود . همچنین مشاهده میشود كه شكل كلي ساختمان اجتماع بصورت هرمی pyramidal است . يك وجه امتیاز بزرگ بین اجتماعات مدرن و قدیمی وجود همین طبقه متوسط است در اجتماع قدیمی Traditional طبقه متوسط بسیار كوچك و قابل اغماض است . طبقه بالا در چنین اجتماعی مزایا و حقوق زیادی را از طریق ارثی برخوردار میشود و بالعكس طبقه پائین كه اكثریت قریب باتفاق مردم را تشكيل میدهد تقریباً برای همیشه و از هر نسل بعد از بسیاری از حقوق انسانی محروم است . در چنین اجتماعی كه معمولاً بصورت استبدادی despotic اداره میشود فاصله بین اقلیت حاكم و اكثریت محكوم بسیار زیاد است . در اجتماع سرمایه داری مدرن طبقه متوسطی بوجود میآید كه مقداری از حقوق و مزایا و اختیارات طبقه بالای اجتماع قدیمی را بتدریج (ولی در بعضی موارد با نشان دادن شدت عمل) اخذ میکند و قدرت اصلی اجتماع بشمار میرود . در جوامع سرمایه داری توسعه یافته مثل آمریکا عوامل سیاسی و نظامی حامی و پشتیبان منافع این گروه سرمایه دار میشوند .

در این مقاله بهیچوجه منظور نظر نیست که از مشخصات و یا سیر تحول اجتماع کاپیتالیستی سخن رود. همچنین بحث مفصل و مشروح درباره نوع، کیفیت و ماهیت طبقات اجتماعی و روابط بین آنها (هرآنگونه که «طبقه» تعریف شود) از عهده این گفتار بیرون است. آنچه مراد از نوشتن این سطور است بحث درباره مشکلی (problem) است که با مسئله طبقات اجتماعی در یک جامعه مدرن بستگی دارد و آن مسئله عدم واقع بینی طبقاتی در ایران امروز است که در مورد بخصوصی موجب نارضایتی غیرواقعی بینانه در بین جوانان میشود.

یکی از مشخصات جامعه کاپیتالیستی مدرن آنستکه در آن طبقات متحرك هستند یعنی فرد میتواند از یک طبقه بطبقه دیگر منتقل شود. بالطبع هر کودکی در یکی از شش لایه stratum اجتماع متولد میشود. در اجتماع کاپیتالیستی مدرن حداقل از نظر تئوری این فرصت برای فرد موجود است که با بدست آوردن خصوصیات لایه دیگر قدری «بالا» و یا «پایین» برود. برخلاف یک جامعه اشرافی aristocratic اهمیت «خون اصیل» و یا موروثیت حقوق اجتماعی در جامعه کاپیتالیستی کمتر شده و در عوض میزان ثروت و یا سرمایه نقش مؤثری در پیشرفت شخص بازی میکند.

پرفسور الیسون دیویس Allison Davis از دانشگاه شیکاگو یکروز در طی مکالمه ای پنگارنده اظهار داشت که مطابق تحقیقات و مشاهداتی که کرده در اجتماع کاپیتالیستی امریکا معمولاً افرادی که میکوشند ترقی کنند بیش از یک لایه stratum بالا نمیروند (مثلاً از طبقه متوسط پایین طبقه متوسط بالا ارتقاء مییابند) و افرادی که بتوانند از دو لایه یا «طبقه» با بروند بسیار نادرند. (۱) اگرچه جامعه امروزی ایران تفاوت های فاحشی با اجتماع کاپیتالیستی امریکا دارد ولی شکی نیست که در ایران نیز دامنه ترقی شخص محدود است و چه بسا که بعلت عدم تحرك کافی (social immobility) در جامعه ایرانی حتی پیشرفت از یک لایه بالای دیگر نیز بسیار مشکل باشد. چون هر یک از لایه های اجتماع دارای مشخصات و طرز تفکر مخصوص بخود است مسلماً در ایران نیز نمیتوان انتظار داشت که در شرایط عادی اجتماعی یکفرد متولد در خانواده فقیر باسانی بتواند هم رنگ و هم طراز طبقات اشرافی و یا متوسط بالا بشود.

شاید بهترین معیاری که برای تعیین مشخصات موقعیت اجتماعی تاکنون پیشنهاد شده همانا مقیاسی است که پرفسور وارنر و همکارانش وضع کرده اند و آنرا «معیار مشخصات موقعیت»

۱ - این پرفسور دارای تألیفات فراوانی در مورد طبقات اجتماعی و وضع سیاهپوستان امریکائی است که برای استفاده علاقمندان بجامعه شناسی بسیار مفید است. از جمله آثار معروف وی میتوان دو کتاب «نفوذ طبقات اجتماعی بر یادگیری» و «پدرانسان» را نامبرد.

- Index of status characteristics نام نهاده‌اند . (۱) مطابق نظر این استادان مجموع ۶ عامل ذیل وضع فرد را در جامعه معین میکنند :
- ۱- مقدار تحصیلات علمی (ابتدائی ، متوسطه و عالی)
 - ۲- نوع شغل (وزیر ، استاد ، تاجر ، پزشک ، کارمندی ، کاسب و دهقان)
 - ۳- مقدار درآمد سالیانه
 - ۴ منبع ثروت و درآمد (از طریق ارث ، سود ، بهره ، کسب ، حقوق ماهانه و مزد روزانه)
 - ۵- نوع منزلی که شخص در آن زندگی میکند (اندازه و وسعت، شرایط محلی ، وضع و مدل ساختمان ، ملک شخصی یا اجاره‌ای)
 - ۶- منطقه سکونت شخص (شهر ، محله و نوع افراد ساکن آن منطقه)

برای تعیین جای شخص status در اجتماع بهره‌فرد بر حسب عوامل فوق از ۱ تا ۷ نمره داده میشود . بنابراین حداقل نمره ۶ و حداکثر ۴۲ خواهد بود . این نوع طبقه‌بندی میبایستی با مطالعات دقیق و تحقیقات فراوان و در دفعات مکرر بعمل آید تا بتوان تخمین زد که مثلاً افراد بین ۱۲ تا ۱۸ جزء طبقات متوسط هستند یا خیر . چنین تحقیقی دارای ارزش فراوانی برای شناختن تغییرات درونی اجتماع است و امید میرود در ایران نیز اقدام بچنین تحقیق بعمل آید .

نکته حساس در اینگونه طبقه‌بندی آنستکه هر یک از عوامل ششگانه فوق خود بعوامل اقتصادی و اجتماعی کلی در هر جامعه‌ای ارتباط فراوان دارند و در نتیجه انسانهایی که در جزء طبقات مختلف قرار میگیرند دارای روحیات و طرز فکرها و سلیقه‌های گوناگون و بعبارت دیگر کولتور مربوط بطبقه خود میشوند . محض مثال عرض میشود که کاسب بیسوادی در معاملات تجارتي خود موفق شده و ثروتمند میشود . این شخص چون از نقطه نظر تحصیلات علمی عقب است و در مدرسه و معاشرتهای خود راه و رسم زندگی طبقات بالاتر را فرا گرفته است با اشخاصی دم‌خور میشود که معمولاً از طبقات متوسط پائین و یا حتی طبقه پائین بالا Uper lower می‌آیند . در نتیجه با وجود آنکه وی از نظر اطرافیان ثروتمند و پیشرفته جلوه میکند ولی از نقطه نظر یک دید کلی بر اجتماع او هنوز بسیار عقب مانده است و بعبارت دیگر افراد بالادست او (و اگرچه احتمالاً از نظر مادی عقب‌تر) بسیار زیادند . چه بسا که او خودش هرگز نتواند باندازه دلخواهش « بالا » برود ولی فرزندانش بتوانند با تحصیل علم و فرا گرفتن راه و رسم زندگی دیگری مثلاً طبقات بالا ارتقاء پیدا کنند .

مثال جالب دیگر فردی میتواند باشد که در خانواده محروم و فقیری متولد شده و پرورش یافته است . این شخص ممکن است بعلت

۱ - ب‌م‌آخذ زیر مراجعه شود :

W. Lloyd Warner, Marchia Macker, and Kenneth Eells,
Social class in America, Chicago: Science Research
Associates, 1949.